

علامت سؤال های پررنگ حوالی تیم ملی؛ از لشکر دستیاران تا لیست نفرات سر بچرخونی مسیر رو به روت رو باختی...

سعید آقایی
روزنامه نگار



همیشه همین بوده. امیر قلعه‌نویی در همه تیم‌هایی که حضور داشته عادت دارد که یک لشکر دستیار با خود ببرد. کادر فنی او همیشه شلوغ و پرتعداد است و بیشتر شبیه یک تیم فوتبال است تا کادر فنی! در حقیقت تعداد دستیاران امیر به اندازه‌ای زیاد است که می‌توان در اردو و تمرین به‌عنوان یک حریف تدارکاتی رودروی تیم اصلی قرار بگیرند! این اتفاق البته فی‌الغالب عادت بدی نیست و حتی می‌تواند به شرط استفاده بهینه از دستیاران بسیار مفید فایده باشد و از منظر فنی تیم را جلو ببرد. عادت که البته تیم‌های اروپایی و مربیان صاحب سبک همیشه به آن اقتدا می‌کنند و تعداد قابل توجهی دستیار البته با شرح وظایف معین و مشخص در کنار خود دارند. نمونه متعالی و متأخر آن را باید به مارچلو لیبی اشاره کرد. لیبی تاکتیسین بزرگ ایتالیایی که در یوونتوس و تیم ملی ایتالیا سر به آسمان سایید و قهرمان اروپا و جام جهانی شد، در کلونی دستیارانش ترکیب جالب و جذابی داشت. او علاوه بر مربی تخصصی برای گلرها که در هر تیمی مرسوم است و وجود دارد، برای هر کدام از خطوط سه‌گانه تیمش یک دستیار تخصصی داشت. تیم لیبی همیشه یک مربی مدافعان، یک مربی هافبک‌ها و یک مربی تخصصی مهاجمان داشت و به دستیارانش مأموریت داده بود که با هر کدام از بازیکنان هر پست برنامه‌ریزی مجزا و متفاوت داشته باشند. در حقیقت علاوه بر تمرینات گروهی که زیر نظر دستیار اول لیبی اداره می‌شد، بازیکنان هر کدام از خطوط مربی اختصاصی داشتند و موظف بودند بخشی از تمرین را زیر نظر مربی تخصصی همان پست و با شرح وظایف تمرینی مشخص کار کنند. این تقسیم‌بندی از تیم‌های لیبی تیم‌های بهتر و باکیفیت‌تری ساخت که بازیکنانش معمولاً در همه پست‌ها بهترین و بالاترین راندمان را داشتند.

این الگوی درجه یک اما در ایران هیچگاه رعایت نمی‌شود. نه امیر قلعه‌نویی و نه هیچ مربی دیگری دستیاران خود را براساس پارامترهای تخصصی و نیازهای فنی انتخاب نمی‌کند و معمولاً مؤلفه اصلی برای انتخاب دستیار ضعیف بودن و کوچک بودن دستیار است تا جای سرمربی را غصب نکند! انتخاب دستیار کوچک و بدون رزومه قطعاً هیچ کمکی به سرمربی تیم نمی‌کند و همین سبب می‌شود که مربی تقریباً از منظر فنی روی نیمکت تنها باشد. امیر اما علاوه بر این مؤلفه، در انتخاب دستیار نوعی ادای دین و شاگردپروری را هم مدنظر دارد! هنوز از یاد نبرده‌ایم که در دوره قبلی حضور قلعه‌نویی روی نیمکت تیم ملی نفراتی چون عمو کریم (بوستانی)، آقامهدی (مناجاتی)، پرویز خان (مظلومی) و... به‌عنوان دستیار او حضور داشتند که فلسفه حضورشان در تیم ملی بیشتر ادای دین بود. در کنار آنها نیز پیروانی از مکتب شاگردپروری امیر به کادر فنی اضافه شده بود. این سلوک امیر در دوره جدید هم کماکان اجرا می‌شود با این تفاوت که این بار غلظت دوز شاگردپروری او بیشتر بوده! آندو و رحمان به‌عنوان بازیکنان قبلی تیم ملی به همین واسطه به کادر فنی اضافه شده‌اند و حمید مطهری نیز پاداش حمایت همیشگی از امیر را گرفته و در کنار آنها سعید الهویی مرد شماره یک و دستیار اول امیر محسوب می‌شود؛ مربی که تا به امروز لگد به گریه هم نزده و حتی در سطح محلات هم فوتبال بازی نکرده. این ترکیب روی هم رفته تا به امروز در جریان لیگ و فوتبال ایران ۲۰ امتیاز هم نتوانسته‌اند کسب کنند! آندو که مطلقاً سابقه مربیگری ندارد و حرفه مربیگری را از تیم ملی آغاز کرده؛ درست مثل استاداسدی که فوتبال را از تیم ملی شروع کرد؛ عمر حضور رحمان رضایی روی نیمکت ذوب‌آهن دورقمی نشد و حمید مطهری نیز رکورد عجیب نبردن در لیگ برتر را ۱۱ هفته متوالی را دارد و برف قاصمشهر را ندید. سعید الهویی هم از بقیه شرایط بدتری دارد؛ بقیه حداقل فوتبال‌بست حرفه‌ای بوده‌اند اما الهویی حتی در کوجه محل زندگی خود نیز فوتبال بازی نکرده. از کیفیت مربیگری او همین بس که بعد از جدایی امیر از گل گهر، به اندازه‌ای بد نتیجه گرفت که اگر لیگ چند هفته دیگر ادامه داشت، گل گهر کاندیدای سقوط به دسته پایین‌تر بود! واقعاً انتخاب‌های امیر برای دستیار با این رزومه درخشان قرار است چه کمک فکری و فنی به سرمربی تیم ملی بدهند و چه باری از روی دوش تیم ملی بردارند؟

اینکه انتظار داشته باشیم با حضور آنتونیو مانیگونه ایتالیایی با آن رزومه قابل اعتنا اتفاق خاصی در تیم ملی بیفتد، یک پیش‌بینی خام‌دستانه و ساده‌لوحانه است چرا که امیر قبلاً انتخاب خود را برای دستیار اول انجام داده؛ سعید الهویی! از طرفی امیر در تمام سال‌های مربیگری‌اش ثابت کرده که برخلاف ادعایش که مدام اعتقاد دارد یک مرد مشورتی است، برای مسائل فنی رأساً و شخصاً تصمیم‌گیری می‌کند و به نظرات دیگران کمتر توجه می‌کند چرا که اعتقاد دارد از منظر توانایی و اعتبار و رزومه کسی در حدش نیست. اصطلاح معروف و کنایه‌آمیز «چشم آبی‌ها» برای تخطئه مربیان خارجی نیز در تمام این سال‌ها ترجیح‌بند مصاحبه‌های امیر بوده و او با این طعنه دم‌دستی همیشه بی‌اعتقادی خود را به مربیان خارجی اعتراف کرده و حالا با حضور یک چشم آبی در کنارش قرار نیست چیزی تغییر کند.



لیست جدید تیم ملی برای برگزاری مینی کمپ و تورنمنت کافا عجایب بسیاری دارد. معمولاً لیست بازیکنان تیم‌های ملی در سراسر دنیا در هر مقطعی محل مناقشه و جدل است چه آنکه مربیگری یک پدیده نسبی و سلیقه‌ای است و متر و معیار اصلی در آن سلیقه فردی و انگاره‌های ذهنی به شمار می‌رود و اعداد و ارقام در آن کمترین نقش را دارند. از همین رو دعوت از هر بازیکنی با متر سلیقه ارزیابی می‌شود و تضارب آرا در میان دیدگاه‌ها و سلیقه‌های مختلف محل اختلاف همیشگی و بدون پایان در این زمینه محسوب می‌شود. فرقی نمی‌کند که تیم ملی کدام کشور باشد و سرمربی چه کسی باشد؛ سلیقه‌های متفاوت و تکثر ایده‌ها اختلاف نظرهای جدی را به وجود می‌آورند. به گونه‌ای که اگر از تمامی مربیان شاغل در یک کشور نظرسنجی کنید که اسامی بازیکنان منتخب را برای حضور در تیم ملی لیست کنند، هیچ لیست مشابهی را پیدا نمی‌کنید. در این میان اما لیست منتشره از سوی امیر قلعه‌نویی برای مینی کمپ به اندازه‌ای در برخی از موارد و نفرات محل سؤال و ابهام است که نمی‌توان آن را با اتیکت سلیقه‌توجیه کرد. دعوت از نفراتی که شاید اگر خود سرمربی تیم ملی بودند هم نام خود را در لیست بازیکنان تیم ملی قرار نمی‌دادند!

به‌عنوان مثال در خط دفاع امیرمهدی جاملکی از نساجی و مهدی تیکداری از گل گهر (تیم سابق امیر) به تیم ملی دعوت شده‌اند. اینکه بازیکنی از تیم انتهایی جدول که بیشترین گل خورده

را بعد از نفت مسجدسلیمان دارد، به تیم ملی دعوت می‌شود حیرت‌انگیز است. مهدی تیکداری هم که در این فصل آمار ضعیف ۲۳ بازی و تنها یک گل زده و بدون پاس گل را ثبت کرده و کارنامه قابل دفاعی نیست. در خط هافبک ابهام‌ها بیشترند. در این پست باز هم بازیکنی از گل گهر دعوت شده؛ علیرضا علیرزاده با آمار ضعیف ۲۳ بازی و تنها یک گل و بدون پاس گل. مهران احمدی از تیم ته‌جدولی ملوان دعوت شده که او نیز آمار درخشانی ندارد؛ ۲۵ بازی، ۲ گل و تنها یک پاس گل. غلامرضا ثابت ایمانی با ۲۸ بازی، فقط ۱ گل و ۳ پاس گل از پیکان نیز از عجایب لیست امیر است. بازیکنی که با این کارنامه برخلاف آنچه مطرح شده، بعید است پیشنهاد تیمی مثل سپاهان را در جیب داشته باشد و بیشتر بازارگرمی به نظر می‌رسد. در خط حمله نیز محمدجواد محمدی از هوادار و مهدی ممی‌زاده از نفت آبادان ظاهراً قرار است رقیب مهدی طارمی و سردار آزمون باشند؛ دو مهاجمی که تعداد گل‌هایشان روی هم دورقمی نشده! درباره این لیست می‌توان ساعت‌ها بحث کرد و مسائل اینچینی را برشمرد. نفراتی که حضورشان در لیست تیم ملی این ظن و تلخ‌اندیشی را به‌وجود می‌آورد که شاید دعوت این نفرات به تیم ملی دلایلی به غیر از مسائل فنی دارد. آنچه فضای تلخ و کدر را پیرامون تیم ملی به‌وجود می‌آورد و قطعاً ادامه مسیر را برای امیر در تیم ملی دشوار خواهد کرد.

در خط هافبک ابهام‌ها بیشترند. در این پست باز هم بازیکنی از گل گهر دعوت شده؛ علیرضا علیرزاده با آمار ضعیف ۲۳ بازی و تنها یک گل و بدون پاس گل. مهران احمدی از تیم ته‌جدولی ملوان دعوت شده که او نیز آمار درخشانی ندارد؛ ۲۵ بازی، ۲ گل و تنها یک پاس گل. غلامرضا ثابت ایمانی با ۲۸ بازی، فقط ۱ گل و ۳ پاس گل از پیکان نیز از عجایب لیست امیر است. بازیکنی که با این کارنامه برخلاف آنچه مطرح شده، بعید است پیشنهاد تیمی مثل سپاهان را در جیب داشته باشد و بیشتر بازارگرمی به نظر می‌رسد.

بررسی نقاط تاریک لیست تیم ملی برای کافا ۷ بازیکن و هزار اما و اگر

انتشار لیست تیم‌های ملی در رشته‌های مختلف ورزشی در هر کشوری مخالف و موافقانی دارد، همان‌طور که دومین لیست امیر قلعه‌نویی به‌عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال ایران از این قاعده نانوخته مستثنی نبود. نکته جالب اما درباره فوتبال ایران که هیچ‌جا جهان رخ نمی‌دهد این است که در بازه زمانی نقل و انتقالات بازیکنانی به تیم ملی دعوت می‌شوند که در باشگاه خودشان کمترین بها به آنها داده می‌شود! اتفاقی که امیدوار بودیم با رفتن دراگان اسکوچیچ از تیم ملی دیگر شاهد تکرار آن نباشیم اما ظاهراً این غده سرطانی قرار نیست دست از سر فوتبال ایران بردارد. در لیست منتشرشده از سوی امیر قلعه‌نویی برای حضور در کافا ۷ بازیکن حضور دارند که آمار آنها در لیگ برتر فوتبال قرار دادن نام آنها از سوی امیر قلعه‌نویی را به هیچ‌عنوان توجیه نمی‌کند. در ادامه نگاهی به آمار ۷ بازیکن مذکور از خودشان در لیست و دومین دوره لیگ برتر فوتبال کشورمان که منتهی به این اردو شده، می‌اندازیم.

نقاط تاریک بازیکن

مهدی ممی‌زاده بازیکن تیم فوتبال نفت آبادان اما در بین بازیکنانی که دعوتشان به اردوی تیم ملی برای فینال خرداد ماه تردیدهایی را ایجاد کرده، کمترین تعداد بازی را داشته. ممی‌زاده در طول فصل گذشته ۱۱ بار برای تیمش به میدان رفته و تنها ۱ گل برای این تیم به ثمر رسانده است. از این مورد که بگذریم تندیس بازیکنی با کمترین گل زده که نامش در میان مدعیین به تیم ملی است به احسان حسینی بازیکن تیم آلومینیوم می‌رسد که برای این تیم ۲۶ مسابقه انجام داده و هیچ‌گلی ثبت نکرده! اگر کمی به نکات بالا فکر کنیم متوجه می‌شویم دعوت کردن چنین بازیکنانی با این آمار درخشان به تیم ملی آن هم برای برگزار کردن طولانی‌ترین اردوی تیم ملی با تمام قوا پیش از جام ملت‌های آسیا هیچ دلیل منطقی‌ای ندارد، به جز آنکه بازیکن را به قرارداد بالاتر و بهتر در تیم جدیدش برساند.

۱۴ گل و ۷ بازیکن

مهدی تیکداری، احسان حسینی، غلامرضا ثابت ایمانی، مهران احمدی، محمدجواد محمدی، مهدی ممی‌زاده و محمدرضا آزادی ۷ بازیکنی هستند که آمارشان در لیگ برتر به هیچ‌عنوان حضورشان در لیست تیم ملی که بلندترین فینال‌اش تا آغاز جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۴ قطر را برگزار می‌کند، همخوانی ندارد. نکته جالب اینکه ۷ بازیکن مذکور روی هم در مجموع ۳۰ هفته مسابقات لیگ برتر ۱۵ گل به ثمر رسانده‌اند. آنچه باعث شده چنین ابهاماتی پیرامون آنها برای قرار گرفتن نامشان در لیست منتخبین تیم ملی برای حضور در تورنمنت کافا موسوم به رقابت‌های آسیای میانه و مرکزی ایجاد شود.

نقاط تاریک بازیکن

در این بین اما محمدرضا آزادی بازیکن تیم فوتبال استقلال که در فصل بیست و دوم به‌صورت قرضی پیراهن تیم آلومینیوم را پوشید بهترین عملکرد را از نظر گلزنی در میان بازیکنانی که پیش‌تر به‌نام آنها اشاره شد، داشته. او در این فصل برای تیم تحت هدایت مهدی رحمتی در ۲۹ بازی از ۳۰ مسابقه لیگ برتر به میدان رفته و در این مدت ۷ بار دروازه رقبای آلومینیوم را باز کرده تا تبدیل به با ثبات‌ترین بازیکن این فهرست شود.

